

<div><div></div></div>
<div><div></div></div>
<div><div></div></div>
<div><div></div></div>
<div><div></div></div>

خبر

اتلاف اطلاعاتی «پنج چشم» گزارش داد

نقش چین درباره شیوع کرونا

● یک پرونده تحقیقاتی از سوی ائتلاف اطلاعاتی موسوم به «پنج چشم» نشان می‌دهد که چین به صورت «عمدی» اقدام به مخفی‌کردن یا ازبین‌بردن شواهد مربوط به شیوع ویروس کرونا کرده که باعث شده است ده‌ها هزار نفر در سراسر جهان جان خود را از دست بدهند.
به گزارش ایسنا، به نقل از پایگاه خبری فاکس‌نیوز، در این پرونده ۱۵صفحه‌ای که از جانب آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا، کانادا، انگلیس، استرالیا و نوزیلند (پنج چشم) تهیه شده و در اختیار روزنامه دیلی تلگراف استرالیا قرار گرفته است، آمده که «مخفی‌کاری چین به مثابه یک تهاجم علیه شفاف‌سازی بین‌المللی» است.

این پرونده به موضوعاتی می‌پردازد که در گزارش‌های رسانه‌ای درباره شیوع این ویروس بحث شده و شامل انکار اولیه این موضوع که ویروس احتمالا می‌تواند به انسان‌ها منتقل شود، علیه شفاف‌سازی چین به مثابه یک تهاجم نوزیلند (پنج چشم) تهیه شده و در اختیار روزنامه دیلی تلگراف استرالیا قرار گرفته است، آمده که «مخفی‌کاری چین به مثابه یک تهاجم علیه شفاف‌سازی بین‌المللی» است.

این پرونده همچنین به این مسئله اشاره دارد که چین ابتدا سانسور اخبار مربوط به این ویروس را در موتورهای جست‌وجوگر اینترنت در ۳۱ دسامبر آغاز کرد که شامل حذف واژه‌ها و موضوعات از جمله انواع مختلف «سارس»، «بازار محصولات دریایی وهوان» و «ذات‌الریه ناشناخته وهوان» می‌شود.

سه روز بعد، یعنی در سوم ژانویه کمیسون ملی سلامت چین دستور داد نمونه‌های این ویروس به آزمایشگاه‌های تشخیص برده شده یا منهدم شوند و در عین حال، به طور هم‌زمان دستور عدم انتشار اخبار مرتبط با این بیماری را صادر کرد.

شاید یکی از بخش‌های مخرب‌تر منتشرشده در این پرونده این باشد که مقام‌های چین تا ۲۰ از اوایل دسامبر ۲۰۱۹، انکار کردند که این ویروس احتمالا می‌تواند بین انسان‌ها منتقل شود. این پرونده همچنین ریویگر دقت‌های به‌سازمان بهداشت جهانی داشته و اعلام کرده است که سازمان با وجود این حقیقت که مقام‌ها در تایوان نگرانی خود را از ۳۱ دسامبر درباره انتشار این ویروس اعلام کردند و کارشناسان هنگ‌کنگ در چهارم ژانویه نیز همین نگرانی را داشتند، راه چین را دربرابر انکار اولیه انتقال انسانی این ویروس رد پیش گرفته است. هم‌زمان، در این پرونده تحقیقاتی آمده که در تمام ماه فوریه، پکن در حالی به آمریکا، ایتالیا، هند، استرالیا، کشورهای جنوب شرق آسیا و سایرین تأکید می‌کرد تا منع سفر وضع نکنند که خود ممنوعیت‌های سخت‌گیرانه ماندن در منزل وضع می‌کرد.

بازگشت کیم در بیستمین روز شایعات

● کره شمالی که تاکنون درباره غایب بودن کیم جونگ اون، رهبر این کشور در نظر عمومی سکوت کرده بود، اکنون بدون هیچ توضیحی تصویری از کیم جونگ اون را نشان داده است که در حال پیچی‌کردن روان فرمزنگ در مراسم افتتاحیه کارخانه تولید کود شیمیایی است. به گزارش دوپچهوله، خبرگزاری کره شمالی روز گذشته گزارش داده است کیم روز جمعه اول می کارخانه تولید کود شیمیایی را افتتاح کرد. روزنامه رودونگ سیمون کره شمالی هم تصاویر بازدید از استان پیونگکان جنوبی را منتشر کرده است. در این تصاویر علاوه بر رهبر کره شمالی دیگر نمایندگان عالی‌رتبه کشور از جمله کیم یو جونگ خواهر و کومو یو جونگ مشاور شخصی او نیز دیده می شوند.

خبرگزاری کره شمالی نوشته است وقتی کیم در مراسم افتتاحیه کارخانه تولید کود شیمیایی ظاهر شد حضاران با شور و شفع خاصی از رهبر خود استقبال کردند. طبق این گزارش، او گفته است اگر پدرزرنگش کیم ایل سونگ و پدرش کیم جونگ ایل از افتتاح کارخانه مدرن تولید کود باخبر می شدند حتما احساس شادی فراوانی می‌کردند. کیم جونگ اون ۲۰ روز پیش به طور غیرمنتظره در جشن تولد پدرزرنگش کیم ایل سونگ، بیان‌گذار کره شمالی، شرکت نکرده بود و همین سبب شد شایعات زیادی درباره سلامتی و عمل جراحی او پخش شود. ۲۱ ماه آوریل و با سایت «Daily NK» که از سنول اداره می‌شود، گزارش داده بود کیم در تاریخ ۱۲ آوریل در بیمارستان بستری شده و مدت کوتاهی پس از آن تحت عمل جراحی قلبی و عروقی قرار گرفته است. بعد از آن وب‌سایت خبری سی‌ان‌ان نیز با استناد به یک دولت ملی آمریکا گزارش داده بود که وضعیت سلامتی کیم وخیم است. مشاور امنیتیی رئیس جمهور کره جنوبی اما با رد این گزارش‌ها گفته بود رهبر کره شمالی زنده است و در یک استراحتگاه تابستانی در شهر ونسان استراحت می‌کند و احتمالا به‌زودی در نظر عمومی ظاهر خواهد شد.

politics@sharghdaily.ir

هر کس که می‌دانسته یا حتی حدس می‌زده که عراق قرار است دوباره یک نخست‌وزیر مکلف داشته باشد، دستش را بالا بیاورد. نه، نه آن کسی که اواسط مارس یا آن دیگری که پیش از او برای این سمت تعیین شده بود؛ یک چهره جدید. نشربه فاین‌بالسی در گزارشی به قلم استیون ای کوک، یکی از کارشناسان مطرح خاورمیانه، می‌نویسد که برای آتهایی که تلاش می‌کنند بفهمند مگر در عراق چند نفر به این جایگاه رسیده‌اند می‌نویسم: نهم آوریل، برهم صالح، رئیس‌جمهوری عراق، مصطفی الکاظمی را به‌عنوان گزینه نخست‌وزیری معرفی کرد. عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر پیشین عراق، اواخر ماه نوامبر از سمتش استعفا داد؛ اما به‌عنوان نخست‌وزیر موقت تاکنون در رأس باقی مانده است. فردی که پیش از همه قرار بود جانشین او شود، محمد توفیق علاوی بود که نتوانست دولت تشکیل دهد. پس از او، عدنان الزورفی معرفی شد که او هم نتوانست دولت تشکیل دهد و به این ترتیب حالا نوبت به کاندیداتوری الکاظمی رسیده است.

ایجاد تعادل بین ایران و آمریکا

رسانه‌ها این روزها همان گزارش‌ها و یادداشت‌هایی را که پیش‌تر و از ۱۶ سال پیش درباره نخست‌وزیران عراقی نوشته بوده‌اند، در قالب جمله‌های جدیدی بازنشر می‌کنند. مصطفی کاظمی مانند دیگر گزینه‌هایی که پیش‌تر برای نخست‌وزیری انتخاب شده بودند، ظاهرا این توانایی را دارد تا بین نفوذ آمریکا و ایران در عراق تعادل ایجاد کند و فردی است که می‌تواند حمایت گروه‌های مختلف سیاسی در این کشور را جلب کند. کاظمی در شرایطی چنین توصیف می‌شود که نگاهی به نواقص گسترده ساختار سیاسی عراق و تجربه‌های پیش از او می‌توان گفت یکی از سخت‌ترین گام‌ها برای یک نخست‌وزیر در این کشور تشکیل کابینه و بعد از آن اداره کشور است؛ بنابراین گفتن از این ویژگی‌های نخست‌وزیر مکلف جدید عراق بیشتر از آنکه واقع‌گرایانه باشد، در نهایت امیدواری مطرح شده و این همان فرمولی است که به نظر می‌رسد روزنامه‌نگاران و دبیران رسانه‌ها این روزها دیگر در آن خیره شده‌اند. اینکه چه فردی برای چنین سمتی معرفی می‌شود، همیشه اتفاق مهمی است؛ اما موضوع مهم‌تر از نظر رسانه‌ها و راه‌حل نهایی خروج عراق از خلأ قدرت، نهادها و احزاب سیاسی در این کشور است.

حتی ساده‌ترین افراد که فقط اخبار مربوط به عراق را پیگیری می‌کنند، می‌دانند که مشکلات این کشور به‌مراتب عمیق‌تر، پیچیده‌تر و بیشتر از آنچه به نظر می‌رسد، حل‌نشدنی است. تا اینجا با وجود سال‌ها سعی و تلاش هیچ‌کس نتوانسته و حتی ندانسته که چطور می‌توان این مشکلات را حل‌وفصل کرد. برای همین است که انکار آتهایی که در آمریکا اهمیت ویژه‌ای برای مسئله عراق قائل هستند، اکنون از طرح خروج نیروهای کشورشان از عراق حمایت می‌کنند. این دقیقا همان سیاستی است که از چند ماه پیش می‌شد از آن به‌عنوان سیاست دونالد ترامپ هم یاد کرد.
باین‌حال در شرایط فعلی و تداوم حضور نیروهای آمریکایی در عراق، دیر یا زود این مسئله اجتناب‌ناپذیر است و دولت آمریکا مجبور می‌شود با عواقب شکست سیاسی در عراق روبه‌رو شود و برای حل آن گام بردارد.

دموکراسی در ساختار

در سال‌های اخیر این مسئله به‌خوبی روشن

جهان

عراق همیشه تنهاست

اگر کاظمی همان‌طور که گفته می‌شود، خوب باشد، اتفاق خوبی برای عراق است؛ اما باید این نکته را در نظر داشت که این موضوع عراق را نجات نمی‌دهد



شده است که در ساختار دموکراتیک نه‌تنها ساختار بلکه افراد هم اهمیت دارند. اگر رهبران سیاسی یک کشور، هنجارها و اصول دموکراسی را نپذیرند، نه‌تنها دموکراسی به‌عنوان یک ساختار به خطر می‌افتد، بلکه هر لحظه بیم مرگ آن در آن حوزه جغرافیایی می‌رود. از آن طرف این شرایط هم وجود دارد که در آن سیاست‌مداری علاوه بر پذیرش این چارچوب، ذکاوت و توانایی لازم برای اداره امور را داشته باشد؛ اما فرارگرفتن آنها در یک سیستم فاسد منجر به آن شود که آنها هرگز نتوانند نظم سیاسی را به ساختار بازگرداند.

اگر بخواهیم خوش‌بین باشیم، کاظمی در گروه دوم قرار می‌گیرد. هم عراقی‌ها و هم آمریکایی‌ها صلاحیت او را برای اداره کشور تأیید می‌کنند؛ او عضو هیچ‌یک از احزاب سیاسی عراق نیست

و به‌عنوان مدیر سرویس اطلاعات ملی عراق، به‌گواه شاهدان، همواره برای سیاست‌زدایی و حرفه‌ای‌گری حرکت کرده است. این ویژگی‌ها در کشوری مانند عراق، امتیازی دوچندان محسوب می‌شوند؛ اما در همین حالت تقریبا برای همه روشن است که نهادهای سیاسی عراق به‌ویژه احزاب سیاسی این کشور توانایی مدیریت کاظمی را ندارند. کاظمی که این به آن معنا نیست که عراقی‌ها مجبورند همواره تحت دولتی فاسد زندگی کنند؛ مردمی که سال‌های زیادی است به‌فدلی کابینت

همین ساختار فاسد متحمل رنج بسیاری شده‌اند. باین‌حال بی‌نتیجه‌ماندن اعتراض‌های گسترده همین مردم که از اکتبر سال گذشته آغاز شد، نشان می‌دهد حتی بدترین سیستم‌های سیاسی هم می‌توانند چنان پایدار باشند که ابدی به نظر برسند.

بدون آنکه به جزئیات دقیق اشاره کنیم، می‌توانیم بگوییم فضای سیاسی عراق پس از تجاوز آمریکا به این کشور به سیستمی تبدیل شده که بازیگران آن با استفاده از ساختار فاسد به غنایمی می‌رسند و بدون هیچ نظارتی آن را میان خود تقسیم می‌کنند؛ در حقیقت در این ساختار دست بیشتر سیاست‌مداران و احزاب سیاسی در یک کاسه است.

این فساد و مشکلات تا حدی عمیق هستند که حتی مقتدی صدر به‌عنوان رهبر جنبش‌المهدی و یکی از دشمن‌ترین افراد از نظر آمریکا، توانست فعالیت سیاسی خود را به‌عنوان یک ناسیونالیست و مبارز علیه فساد از سر بگیرد و به فدرلی تأثیرگذار در سیاست عراق تبدیل شود.

مهاجرت از عراق

مهاجرت از عراق

بایدن برای نخستین بار سکوتش را در برابر اتهام آزار جنسی شکست

همچنین بایدن سال ۲۰۱۸ با اشاره به شکایت فورد از کاوانا گفته

بود در چنین مواردی باید حق را به زنان آزاد دیده داد. اما اکنون او

حاضر نیست چنین حقی را به تارا ریس بدهد. این دوگانه رفتاری می‌تواند چالش‌هایی برای زنان حامی بایدن و از جمله زانی که نام‌شان به عنوان گزینه‌های احتمالی معاونت او مطرح شده، ایجاد کند. «به‌کا تراپاستر» نویسنده و تحلیلگر مسائل زنان که مدتی با

نشریه «نیو ریپابلیک» همکاری می‌کرد، می‌گوید: «زمانی که ادعاهای سوءاستفاده جنسی علیه بایدن مطرح شده، پذیرش پیشنهاد معاونت او، مانند پذیرش زهر است. هر کدام از این زنان اگر پیشنهاد بایدن را بپذیرند، سرنوشته‌شان با اشتباهات و کاستی‌های غیرقابل انکار بایدن گره می‌خورد و این امر می‌تواند آینده سیاسی آنها را هم به خطر بیندازد. زنان پیشرویی که در چنین دردسری می‌افتند، راه خروج از بحران را به‌سختی پیدا خواهند کرد.»

با مطرح‌شدن اتهام‌های ارا راید علیه بایدن، برخی جمهوری‌خواهان می‌خواهند در تبلیغات خود، رهبران حزب دموکرات را افرادی دورو معرفی کنند که تنها از زنانی دفاع می‌کنند که از سوی رقبایشان مورد آزار و اذیت قرار گرفته باشند. سخنگوی کمپین انتخاباتی ترامپ تکذیب‌های اخیر بایدن را به سخره گرفت و گفت: «دموکرات‌ها یک بار دیگر ثابت کردند در رفتارهایشان استانداردی دوگانه دارند.»

اما با توجه به اینکه در سال‌های اخیر اتهام‌های مشابه و حتی است مواردی با جزئیات آزاردهنده‌تری علیه ترامپ مطرح شده، بعد از جمهوری‌خواهان بخواهند روی این موضوع چندان مانور دهند. در عین حال دموکرات‌ها که همواره خود را حزبی حامی اخلاق و مدافع برابری جنسیت و نژاد معرفی کرده‌اند، با نگاهی متفاوت از سوی افکار عمومی روبه‌رو خواهند شد. تأثیر این اتهامات زمانی بیشتر می‌شود که این نکته را در نظر داشته باشیم زنان به طور سنتی نامزدهای حزب دموکرات را به خود نزدیک‌تر می‌بینند و به آنها رای می‌دهند.

در اقدامی سیزفیوار آنها را مجبور کند در مسیری که خود درست می‌دانند، گام بردارند. آن‌طور‌که به نظر می‌رسد دولت ترامپ به این نتیجه رسیده است که درگیرشدن در سیاست عراق فقط ائتلاف انزری است. با این نگاه می‌توان واکنش حذاقلی آمریکا به انتخاب نخست‌وزیر در عراق را تحلیل کرد؛ گزینه‌های پیشنهادی تا زمانی که یک «ناسیونالیست عراقی» باشد قابل‌قبول است؛ اما این تضمین می‌کند که این فرد طرفدار رقیب آمریکا در عراق، یعنی ایران، نباشد.

کاظمی این مرحله را پشت سر گذاشته است اما به‌رحال جریان ماندن یا رفتن کاظمی ماجرابی نیست که قرار باشد رویکرد فعلی آمریکا را در مقابل عراق تغییر دهد؛ رویکردی که اکنون واگذارکردن مدیریت شرایط داخلی این کشور به مردم و سران آن تحلیل می‌شود. البته انتخاباتی ۲۰۲۰، شیوع کرونا و پررنگ‌ترشدن تنش‌ها با ایران همگی مجموعه دلایلی هستند که فعلا باعث شده آمریکا به همین میزان از مداخله در عراق بسنده کند و این ضرورتا ناشی از تفکر دموکراتیک واشنگتن در مقابل کشورهای غرب آسیا نیست. هم‌زمان مگرنگ‌شدن مداخله آمریکا در اتفاقاتی مانند انتخاب نخست‌وزیر عراق برخی از عراقی‌ها به‌ویژه آتهایی را که می‌خواهند متحدان آمریکا باشند، ناراحت می‌کند؛ اما دست‌کم در کوتاه‌مدت آنها راهی جز پذیرفتن واقعیت ندارند.

موضع واشنگتن ممکن است از نظر استراتژیک منطقی باشد. بدون شک داعش همچنان تهدیدی برای عراق است و همین ادامه فعالیت‌های نیروهای آمریکایی و ناتو را در این کشور تا حدودی تضمین می‌کند؛ اما تمایل نداشتن آمریکا در مسائل داخلی عراق، رهبران سیاسی این کشور را مجبور می‌کند تغییراتی کلیدی در نحوه حکمرانی خود ایجاد کنند یا با خشم مردم عراق روبه‌رو شوند؛

برای عراق است و همین ادامه فعالیت‌های نیروهای آمریکایی و ناتو را در این کشور تا حدودی تضمین می‌کند؛ اما تمایل نداشتن آمریکا در مسائل داخلی عراق، رهبران سیاسی این کشور را مجبور می‌کند تغییراتی کلیدی در نحوه حکمرانی خود ایجاد کنند یا با خشم مردم عراق روبه‌رو شوند؛ مردمی که به‌تازگی دوباره نشان داده‌اند که به‌دنبال تغییرات گسترده ساختاری هستند. اگر طبقات سیاسی مختلف عراق در حل این شرایط ناتوان باقی بمانند، حل مشکلات تلنبارشده این کشور به‌کردن ایران می‌افتد؛ مشکلاتی که همه‌گیری ویروس کرونا کاهش تقاضای جهانی برای نفت و جنگ نفتی میان عربستان و روسیه و این همه باید به آنها اضافه کرد. در چنین شرایطی ارقام حکایت از ناهماهنگی شدید خرج عراق با هم دارد و این می‌تواند نشان‌دهنده فرورفتن بیشتر این کشور در مشکلات حل‌ناشدنی باشد.

این اوضاع برای عراق قطعاً وحشتناک خواهد بود؛ اما تعداد کمی در آمریکا هستند که تمایل دارند در چنین شرایطی زمان و منابع خود را در عراق سرمایه‌گذاری کنند آن‌هم در شرایطی که کووید ۱۹ سلامت آمریکایی‌ها را تهدید می‌کند و ننگره تنها برای سرپانگه‌داشتن اقتصاد آمریکا در حال خرج‌کردن تریلیون دلار است. اینکه کاظمی همان‌طور‌که گفته می‌شود، خوب باشد اتفاق خوبی برای عراق است اما باید این نکته را در نظر داشت که این موضوع عراق را نجات نمی‌دهد؛ ساختار سیاسی عراق کاملا فرسوده شده، آمریکایی‌ها بیش از حد درگیر مسائل خود هستند و کشورهای منطقه هم عراق را همین‌طور آشفته می‌خواهند. فقط می‌مانند مردم عراق؛ آیا آنها توانایی و هم‌ت آن را دارند تا با فشاری بیشتر سیاست‌مدارانشان را سر عقل بیاورند و مجبورشان کنند بالاخره به‌درستی روی پای خود بایستند؟

مهاجرت از عراق

مهاجرت از عراق

تبعات یک افشاگری

جو بایدن بسیار محکم‌تر و مستدل‌تر از اتهامات علیه کاوانا است. **تبعات مخفی برای دموکرات‌ها**
جنبال اخیر درباره بایدن در حالی رخ می‌دهد که این نامزد حزب دموکرات در نظرسنجی‌ها محبوبیتی بیشتر از ترامپ یافته و با توجه به عملکرد ضعیف ترامپ در مدیریت بحران کرونا و اثرات منفی آن بر اقتصاد آمریکا که برگ برنده ترامپ در انتخابات آینده محسوب می‌شود، انتظار می‌رود افت محبوبیت ترامپ ادامه داشته باشد. اما اتهامات مطرح‌شده علیه بایدن می‌تواند تبعاتی منفی برای معاون رئیس‌جمهور سابق آمریکا و حزب دموکرات داشته باشد. در سال‌های گذشته و با شکایت‌هایی که علیه ترامپ از سوی زنان مطرح شد، حزب دموکرات تلاش کرد به عنوان رقیب رئیس‌جمهوری مستقر، خود را حزبی حامی زنان آزادیده معرفی کند. اما اکنون نامزد اصلی این حزب در انتخابات ۲۰۲۰ با اتهامی مشابه روبه‌رو شده است. در این میان هر چقدر که بایدن اصرار کند اتهام‌های مطرح‌شده علیه او نادرست است، اما واقعیتی است که می‌تواند ریز سؤال برود. بایدن و حامیان دموکراتش متوجه خواهند شد بخش قابل توجهی از افکار عمومی در این ماجرا و از حزب دموکرات را دورو و فاقد صداقت می‌دانند و تیره‌شدن از این اتهام بسیار دشوارتر از تیره‌شدن از اتهام تجاوزی است که علیه بایدن مطرح شده است.

جمهوری‌خواهان و حامیان ترامپ در پرونده برت کاوانا و اتهام آزار جنسی که «کریستین بلیسی فورد» علیه او مطرح کرد هم به حمایت از کاوانا پرداختند و درباره این اتهام سکوتی نسبی اختیار کردند. اما بر اساس آمار منتشرشده، زمانی که جلسه دادرسی کاوانا در سپتامبر ۲۰۱۸ برگزار می‌شد، نام کریستین بلیسی فورد در هر کدام از رسانه‌های مخالف ترامپ از جمله سی‌ان‌ان و ان‌بی‌سی نزدیک به ۱۹۰۰ بار مورد اشاره قرار گرفته بود. اما در مورد تارا رید تا همین اواخر

به‌درت نام و خبری از او در همین رسانه‌ها به چشم می‌آمد.

<div><div></div></div>
<div><div></div></div>
<div><div></div></div>
<div><div></div></div>
<div><div></div></div>

ادامه از صفحه اول

کرونا وطرح مارشال ۲

همان‌طور که هم‌تای آمریکایی او در کاخ سفید دیگر مطمئن به پیروزی در انتخابات سال جاری نیست و رقیب دموکراتش، جو بایدن نیز مانند او با تردید به آینده می‌نگرد.اما کسی نیست که برای همه این پرسش‌ها، پاسخی قطعی داشته باشد. تا پیش از بروز بحرانی به نام کرونا، بسیاری بر آن بودند که اردوغان بدون نگرانی از اتفاقات داخلی می‌تواند سودای کشورکشایی خود را به پیش ببرد و پوتین بدون کوچک‌ترین دردسری، پیروز رفراندومی است که قرار بود در ماه آوریل برگزار شود. درعین‌حال، گروه کثیری از تحلیلگران با قاطعیت از پیروزی مجدد دونالد ترامپ سخن می‌گفتند. اما نه‌تنها نمی‌توان به این پرسش‌ها پاسخ داد، بلکه باید در انتظار جهان جدیدی نیز بود. اگر بخواهیم جهان امروز را شبیه‌سازی کنیم، می‌توان آن را با جهان پس از پایان جنگ جهانی دوم قیاس کرد. نمی‌توان از یاد برد که در آن زمان، ایالات متحده با اجرای سیاستی به نام «طرح مارشال» تا چه اندازه توانست در خلق جهانی که خود پلیس آن باشد، موفق عمل کند. این طرح به بسیاری از کشورهای اروپای غربی کمک کرد تا اقتصاد خود را پس از جنگ بازسازی کنند. در آن زمان، واشنگتن و تیم سیاست خارجی کاخ سفید که تحت هدایت «جورج مارشال» بود، در مسیر خلق جهان پس از جنگ درصدد حذف عوامل برروز دو جنگ جهانی و معضلات اقتصادی ناشی از آن بودند؛ به عبارت دیگر، آنها معتقد بودند در تمام دنیا، انسان مرفه یا دست‌کم امیدوار به زندگی در رفاه، به سوی تمامیت‌خواهی جذب نمی‌شود.با چنین مقیاسی می‌توان به اهمیت سخن رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا یی برد: «اروپا در ابتدا بد دشمنی ناشناخته روبه‌رو شد و سپس بحرانی بی‌سابقه با سرعتی فوق‌العاده تمام‌ها را فراگرفت... ما به یک طرح مارشال برای اروپا نیازمندیم». اما در چنین جهان آشفته‌ای که آمریکا دیگر نمی‌خواهد به تنهایی تمام بحران‌های جهانی را مدیریت کند، این سخن فقط یک معنا دارد و آن این است: اتحادیه اروپا خود را در بازار جهانی به مناقصه گذاشته و چین، روسیه و ایالات متحده نیز با به‌عنوان سرمایه‌گذار یا پیمانکار برای شرکت در این مناقصه دعوت شده‌اند. امسا این چیزی نیست که نظم جدید از آن حمایت کند. با اعمال چنین تغییراتی، ماهیت همه سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی درگروگن خواهد شد و حتی ممکن است برخی از آنها به معرض نابودی کشانده شوند و به دنبال آن، ماهیت سیستم کشورهای وابسته نیز تغییر خواهد کرد.«هنری کیسینجر»، دیپلمات و تئورسیمن آمریکایی، در مقاله‌ای درباره نظم جهانی و کرونا می‌نویسد: «باندمی ویروس کرونا برای همیشه نظم جهانی را تغییر داده داد.» نویسنده کتاب «نظم جهانی» این‌گونه اهام می‌دهد: «ما باید مبارزه با این بیماری را هدایت کنیم و درمانی برای آن بیابیم.» اما آیا ایالات متحده می‌تواند مانند آنچه پس از جنگ جهانی دوم انجام داد، در این بحران نیز ایفاگر نقش اصلی باشد؟ آیا‌کاخ سفید که امروزه آشفته‌تر از هر زمان دیگری است، می‌تواند با یافتن واکنس، طرح مارشال دیگری را اجرایی کند و پیروز این میدان باشد؟ برخی بر این ادعا هستند که یافتن واکنس کرونا، مانند «بروزه منتهن»، نه‌تنها آمریکا و جهان را نجات می‌دهد، بلکه حضور مجدد ترامپ را در کاخ سفید قطعی می‌کند.شکی وجود ندارد که ایالات متحده در طول تاریخ خود همواره به دنبال رهبری جهان بوده است، باین‌حال، اکنون این هدف نهایی نیست؛ هدف نهایی نجات تمام جهان است و از همین رو است که وزیر خارجه سابق آمریکا تکاید می‌کند «واشنگتن باید اقتصاد جهانی را بازیابی کند». جهان امروز حتی قبل از همه‌گیری ویروس کرونا، در حال تجربه رکود اقتصادی بود. اکنون با سقوط نفت و رفتار عجیب تولیدکنندگان جهانی و از آن بدتر، جنگ سرد نفتی بین عربستان و روسیه، شرایط پیچیده‌تر از گذشته نیز شده است. از همین رو است که هنری کیسینجر در ادامه یادداشت خود به واشنگتن توصیه می‌کند: آمریکا باید یک بار دیگر نبض اقتصاد جهانی را در دست بگیرد و به جهانی‌سازی ادامه دهد. او ایالات متحده را به حمایت از اصول نظام لیبرالیستی مانند گذشته فرامی‌خواند و ادامه‌دادن این مسیر را ضروری می‌داند. اما این تئورسیمن آمریکایی تأکید می‌کند مسیر رسیدن به چنین اهدافی، با گذشته متفاوت است و باید به‌تدریج پیموده شود. در نهایت و بر این باور است که عقب‌نشینی از قدرت جهانی بودن، توازن توافقی‌های اجتماعی را بر هم می‌زند و جهان را متلاشی می‌کند. وزیر خارجه سابق آمریکا به رهبران امروز کشورش پیشنهاد می‌دهد: از تمرکز بر مسائل داخلی خودداری کنید و به همان شکوه سابق برگردید. او با انتقاد از سیاست‌های دونالد ترامپ، بر این نکته تأکید می‌کند: «نظم جهانی را می‌توان احیا کرد، اگر ایالات متحده به‌زمین بازی برگردد.»تمام توصیه‌های این دیپلمات آمریکایی هم می‌تواند به‌عنوان راه‌حلی برای خروج منظر قرار بگیرد و هم در موضوع‌گیری شخصی باقی بماند. اما آیا آمریکا با رهبری به نام ترامپ، قدرت بازگشت به دوران طلایی منظر کیسینجر و اجرای طرح مارشالی دیگر را دارد؟ برخی بر این باورند که احتمال وقوع چنین امری متفاوت است و برخی دیگر نیز ندیای کنونی را بسیار محتال از پایان جنگ جهانی دوم می‌دانند. بنابراین جهان بسیار کوارنا، بسیار مهم‌تر از آن است که بتوان از هم‌اکنون تئوری‌ای برای آن نوشت و آن را متفاوت‌تر از گذشته دانست. حتی اگر کشورها از این بحران به سلامت عبور کنند، شاید برای نجات جهان، رعایت سیاستی بسیار ضروری‌تر از فاصله اجتماعی باشد.